



19 نوامبر 2013

داکتر سید عبدالله کاظم

## معضلات موافقتنامه دوجانبه امنیتی و نقش جرگه مشورتی

از مدتیست که مسأله امضای موافقتنامه امنیتی دوجانبه بین افغانستان و امریکا از مباحث بسیار داغ و حاد کشور و حتی منطقه و جهان محسوب میشود. هر روز عناوین برجسته در رسانه ها پخش و نشر میشود که با گفتار ضد و نقیض دولتمردان افغان و بخصوص کرسی نشینان ارگ در مورد محتوای این موافقتنامه توأم است. یک روز رئیس جمهور اطمینان میدهد که جانبین در نکات متنازع فیه به تفاهم رسیده اند و اما روز دیگر با طرح همان مسائل تکراری چنان وانمود میکند که گویا مشکل حل نشده است. این وضع مردم را شدیداً دچار سردرگمی ساخته و نمیدانند که به کدام حرف رئیس جمهور و مشاوران ارشدش باور کنند. سه روز قبل داکتر اسپینتا در ولسی جرگه به صراحت بیان کرد که طرفین در مواد موافقتنامه 99.9 فیصد موافقه کرده اند ولی امروز بار دیگر مقامهای افغان به موجودیت اختلاف نظرها اشاره نموده و گفته اند که موضوع عملیات نیروهای خارجی در روستا های افغانستان هنوز حل نشده زیرا کرزی خواهان توقف فوری آن است، درحالیکه امریکائی ها ادامه آنرا در مبارزه علیه تروریسم یک ضرورت میدانند. این اختلاف نظر نشان میدهد که گفته فوق داکتر اسپینتا حقیقت ندارد. بر علاوه مشکل «صلاحیت قضائی» که به حیث یگانه موضوع اختلاف عرض بحث به جرگه مشورتی رویت داده میشود، هنوز هم نکات دیگری وجود دارند که بین طرفین حل نشده است. اگر امریکائی ها عملیات نیروهای خارجی را در روستا های کشور ضروری دانند و اما جرگه مشورتی آنرا رد کند، در آن صورت رئیس جمهور بر سر یک دو راهی قرار خواهد گرفت که باید یکی را انتخاب نماید.

درحالیکه دو روز به تدویر جرگه مانده است، همچوچانه زنیها و ضد و نقیض گوئیها در لحظات بسیار حساس افکار مردم را مغشوش می سازد و ذهنیت ها را بطرف بی باوری میکشاند و این سؤال را خلق میکند که آیا رئیس جمهور میخواهد این موافقتنامه امضا شود و یا اینکه برای رد آن بهانه تراشی میکند؟ اگر مقصد رئیس جمهور برای رویت دادن موضوع به جرگه مشورتی همانا انتقال بار مسئولیت آینده بدوش جرگه بوده باشد، اینکار بهر حال با تدویر جرگه عملی میشود و اما اگر او فکر میکند که امریکا به هیچ وجه افغانستان را ترک نخواهد کرد، لذا او میتواند همه شرایط را بر آن کشور بقبولاند و از این ناحیه نزد مردم به حیث یک شخصیت مبارز ملی کسب شهرت کند، او باید بداند که با یک «قمار» بزرگ و خطیر سیاسی مبادرت می ورزد.

کس نمیداند که ممکن امریکائی ها به دلیل همچو چانه زنیها از قبول شرایط ابا ورزیده و با انداختن بار مسئولیت بدوش افغانها به یکبارگی خود را مثل عراق و بعضی جاهای دیگر کنار بکشند. در آن صورت دولت افغانستان چه گزینه دیگر خواهد داشت و چگونه این وضع را ترمیم و یا تعویض خواهد کرد؟ رئیس جمهور باید بداند که این موضوع یک بازی خطرناک با آینده و سرنوشت کشور و مردم افغانستان خواهد بود و مسئولیت آن مستقیماً بدوش او خواهد افتید.

خانم وندا براون — یکی از تحلیلگران ارشد موسسه «بروکینگز» امریکا طی یک مقاله مبسوط تحت عنوان «توافقنامه امنیتی به نفع کیست: امریکا یا افغانستان» (1)، با دلایل موجه واضح ساخته است که افغانستان از امضای این موافقتنامه بیشترین نفع را خواهد برد، درحالیکه برای امریکا موضوع شکل دیگر دارد که نویسنده آنرا چنین بیان میدارد: «بسیاری از مقامات امریکائی، از جمله بعضی اعضای کانگرس این کشور معتقد اند که امریکا باید بطور کامل از افغانستان خارج شود و هم مردم امریکا و بسیاری از نمایندگان آنها در کانگرس بر این باور اند که امریکا به اندازه کافی برای افغانستان مایه گذاشته و به حد کافی تهدیدات تروریستی موجود در منطقه را سرکوب کرده است و حالا وقت بازگشت به خانه و تمرکز بر مشکلات داخلی کشور، از جمله رشد اقتصادی، اشتغال، مسائل

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنې دلیکنېزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

اجتماعی..... رسیده است. اگر موافقتنامه امنیتی دوجانبه میان امریکا و افغانستان امضا نشود، بسیاری از سیاستمداران و شهروندان امریکائی به هیچ وجه ناراحت نخواهند شد».

به نظر خانم براون: رئیس جمهور افغانستان معتقد است که امریکا نمیتواند از افغانستان خارج شود، زیرا امریکا با استفاده از افغانستان به عنوان زینه خیز، یک بازی بزرگ جدید را در آسیای مرکزی در مقابل چین و روسیه دنبال میکند و آقای کرزی تمرکز استراتژیک اصلی امریکا را روی همین مسأله میداند، درحالیکه این درک استراتژیک کاملاً با دیدگاه امریکا نسبت به حضورش در منطقه متفاوت است. او در ارتباط با این موضوع می نویسد: «امریکا نه افغانستان و نه آسیای مرکزی را، بلکه شرق آسیا را درکانون توجه استراتژیک خود قرار داده است. تلاش برای اینکه چین به یک قدرت مسالمت آمیز مبدل شود، از اولویت های سیاست خارجی واشنگتن است. امریکا جنوب شرق آسیا و هند — و نه افغانستان و آسیای مرکزی — را عرصه مهم برای پیگیری این هدف میداند. بر علاوه امریکا در شرق میانه گرفتار است: سوریه و مصر در آتش بحران می سوزند، جنگ سردی میان ایران و عربستان سعودی در جریان است و امریکا سعی بسیار برای حل مسأله بغرنج اسرائیل و فلسطین بخرچ می دهد. بسیاری از سیاستمداران امریکائی و حتی شاید بسیاری از مقامات قصر سفید، افغانستان را مسئولیت نابخردانه و فاقد اهمیت استراتژیک می دانند».

به نظر خانم براون: «بی آمد عمده این تفاوت از درک استراتژیک دوطرف اینست که آقای کرزی عقیده دارد که همه گزینه ها را در اختیار دارد و میتواند با به تعویق انداختن امضای توافقنامه، امتیازات بیشتر و بیشتر بگیرد. این درحالیست که امریکا کاملاً آمادگی این را دارد که توافق را بحال خود رها کند». او علاوه میکند که: «آقای کرزی در سیاست خارجی مرتباً بحران ایجاد میکند، به امریکا و آسیای حمله لفظی میکند، به وضوح در روسیه، چین، ایران و هند دنبال دوستان جدید میگردد و میخواهد از آنها به عنوان گزینه ای علیه امریکا و ناتو استفاده کند. این سیاست مخاطره آمیز که دارای ماهیت شکننده است، حضور امریکا را در افغانستان ضعیفتر می سازد».

نویسنده این سطور که از مدت بیش از سه دهه در اضلاع متحده امریکا اقامت دارد و در این مدت از ورای رسانه ها و مطالعه دقیق اوضاع توانسته است با چرخش های سیاسی این کشور تاحدی آشنا شود، بررسی خانم براون را بیشتر یک نظر واقعبینانه یافته و بدینوسیله به دولتمردان افغان و اعضای جرگه مشورتی در این لحظه حساس خاطر نشان می سازد که در مشوره های خود منافع ملی کشور را دقیقاً در نظر گرفته و نگذارند دشمنان کشور که مخالف امضای این موافقتنامه استند، به هدف برسند و با خروج قوای خارجی از کشور زمینه های نفوذ خود را مساعد سازند و نگذارند افغانستان بار دیگر در چنگال رقابت های ویرانگر خارجی و داخلی قرار گیرد.

دشمنان افغانستان میکوشند بهر وسیله ممکن جلو امضای این موافقتنامه را بگیرند، گاهی به اخلال امنیت می پردازند و با انفجار بمب انتحاری در حواشی مقر جرگه انسانیهای بیگناه را به قتل میرسانند و گاهی هم با تدویر محافل و براه اندختن مظاهرات و نیز جعل اسناد میخواهند اذهان مردم را در برابر این موافقتنامه به بیراهه بکشانند. چنانچه هفته گذشته گروهی زیر نام «جبهه متحد ملی» با تجمعی یک تعداد اشخاص محفلی را دائر کردند و ضمن ایراد بیانیه ها، امضای موافقتنامه امنیتی را یک خیانت ملی شمردند. وحید مزده یکی از تدویر کنندگان محفل و یک چهره معلوم الحال به صراحت بیان کرد: «اگر شما [خطاب غیابی به اعضای جرگه] این توافقنامه را امضا کردید، در تاریخ افغانستان به عنوان خیانتکاران بزرگ ثبت خواهید شد و اگر این پارلمان این توافقنامه را تأیید کند، بدون تردید نام شان در لست کسانی خواهد بود که بزرگترین خیانت و به ملت افغانستان بزرگترین جفا را روا داشته اند».(2)

در این راستا بسیاری از خود می پرسند که مقصد آقای کرزی از دعوت حزب اسلامی حکمتیار و طالبان غرض اشتراک در این جرگه مشورتی چیست؟ آیا اینهم از جمله همان حرف های واهی او است که هر روز تکرار میشود و اعتبار سخنان او را نزد عام و خاص بکلی از بین برده است و یا بزعم خودش از شهکارهای سیاستمداری او محسوب میگردد؟ آیا کافی نبود که طالبان جواب او را با انفجار خونبار چهار روز قبل دادند و نمایندگان حکمتیاری محفل فوق الذکر امضای توافقنامه را یک خیانت بزرگ ملی شمردند؟

سه روز قبل داکتر اسپینتا — مشاور امنیت ملی رئیس جمهور و رئیس هیئت مذاکره کننده با طرف امریکائی غرض استجواب به ولسی جرگه فراخوانده شد و ضمن توضیح بعضی مطالب مهم مواد مندرج موافقتنامه، امضای آنرا به سود افغانستان دانست که جزئیات گفته های او در رسانه ها منعکس گردید و اما نکته مهم در بیانات او تصریح این

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

مطلب بود که « هرگونه تصمیم گیری نهائی در مورد پیمان امنیتی از صلاحیت های رئیس جمهور و شورای ملی است» و در مورد برگزاری جرگه مشورتی گفت: « رئیس جمهور میتواند مجموعه از بزرگان مردم افغانستان را برای مشوره خواهی گردهم بیاورد، ولی مشوره های شان برای رئیس جمهور و شورای ملی الزام آور نیست». (3)

درحالیکه رئیس جمهور در عین روز (16 عقرب) طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ارگ گفت: «اگر مشورت اعضای جرگه مثبت بود و از جانب آنها مسوده موافقتنامه پذیرفته شد، طبیعی است که مسوده مذکور به ولسی جرگه می‌رود و در آنجا به اساس قانون به آن رأی تائید و رد داده میشود»، و اما در جواب سؤالی درباره اینکه اگر جرگه در مورد موافقتنامه نظر منفی و یا رد ابراز کند، آنوقت جانب دولت چه موقف را اتخاذ خواهد کرد، رئیس جمهور کرزی گفت: «هردیدگاه و نظری را که جرگه افغانستان پیشکش کند، همان دیدگاه و نظر ملت افغانستان است و ما به آن احترام داریم» (4). به این اساس آقای کرزی به نظر جرگه مشورتی «قاطعیت و الزامیت» بخشید، درحالیکه مشاور امنیت ملی او در همان روز در ولسی جرگه نظر مخالف با رئیس جمهور را ابراز کرد. در اینجا هر یک حق دارد از خود بپرسد که حرف کی را باور کند، آیا حرف غیر قانونی و بدون منطق شخص اول و صاحب اختیار سلطانی کشور را و یا حرف قانونی و منطقی مشاور امنیت ملی او را؟؟

از این تناقض گوئی کرسی نشینان ارگ معلوم میشود که در آنجا وضع حاکم به گونه «هرکله و بالخیال» است و وای به حال این کشور که در آستانه چنین موقع حساس و مهم دو شخصیت مسئول از دو زبان حرف میزنند!!

گذشته از آن اگر به جواب این سؤال که «چرا دولت خودش در این مورد فیصله نکرد و جرگه را خواست؟»، به توضیحات رئیس جمهور کرزی توجه کنیم، سوالات دیگر مطرح میشود که بحث روی آن میتواند غیرقانونی بودن و دور از منطق بودن سخنان او را برملا سازد، با این شرح که آقای کرزی در جواب سؤال فوق گفت: «موافقتنامه امنیتی و دفاعی با امریکا و بعد از آن با ناتو یک امر نهایت مهم ملی و حیاتی برای افغانستان است و باید ملت افغانستان در آن دخیل باشد، زیرا مردم سالاری آنرا حکم میکند و ما کشوری دارای یک عنعنۀ بزرگ ملی و مردم سالاری هستیم که آن لویه جرگه مردم افغانستان برای فیصله روی مسائل مهم ملی میباشد. زمانیکه ما چنین یک نهاد عنعنوی ملی و تاریخی داریم که دیگر کشورها ندارند، چرا از آن به خیر مردم افغانستان و فیصله های درست استفاده نکنیم و چرا ملت افغانستان در آن دخیل نباشد. من هرگز این حق را به خود و دولت افغانستان نمیدهم که در قضایای بزرگ و مهم ملی مانند موافقتنامه امنیتی و دفاعی با یک کشور خارجی به آن وسعت که این قرارداد صورت میگیرد و ابعادیکه این موافقتنامه برای ما و برای منطقه دارد، فیصله نمائیم» (5). همچنان آقای کرزی افزود: «جرگه هر فیصله را که بکند، جرگه از ملت افغانستان و به نمایندگی از شهرها و دهات افغانستان هستند، فیصله شان محترم است برای همه». (6)

در این گفتار رئیس جمهور کرزی چند نکته جلب توجه میکند:

1 — آقای کرزی موافقتنامه را به «موافقتنامه امنیتی و دفاعی» عنوان میکند، درحالیکه عنوان اصلی و رسمی آن تاهنوز «موافقتنامه امنیتی دو جانبه» است. افزود کلمه «دفاعی» بطور واضح برماهیت اصلی قرار داد تغییر وارد میکند و ساحه اجرای موافقتنامه را وسیع می سازد که موجب سؤالیهای اضافی میگردد. اگر چنین تغییری در موافقتنامه در این روزهای اخیر آمده باشد، لازم بود تا رئیس جمهور قبلاً این تغییر را به اطلاع مردم می رسانید و توضیحات مختصر در باره ارائه میکرد.

2 - معادل ساختن «لویه جرگه مردم افغانستان» به حیث «یک نهاد عنعنوی ملی و تاریخی» با آنچه اکنون بنام «لویه جرگه مشورتی» مسما شده است، در گفتار آقای کرزی یک اشتباه کلی است، زیرا این دو از نظر حقوقی و از نظر صلاحیتهای عرفاً و قانوناً متفاوت است. آقای کرزی ماهیت «جرگه مشورتی» را با «لویه جرگه عنعنوی» مدغم کرده و از آن یک نهاد دیگر ساخته است که در مغایرت کامل با ماده یکصد و دهم قانون اساسی که لویه جرگه را «عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان» میداند و متشکل از «اعضای شورای ملی و رؤسای شوراهای ولایات و ولسوالی ها» میباشد، قرار دارد. در اینجا واضح میگردد که فیصله و تصاویب لویه جرگه به حیث عالی ترین مظهر اراده مردم الزامیت و قاطعیت کامل دارد، درحالیکه تدویر «جرگه مشورتی» طوریکه از نام رسمی آن بر می آید، محض به منظور ارائه «توصیه ها و مشوره ها» عند الاقتضا از صلاحیت رئیس جمهور پنداشته میشود و اما تصاویب و فیصله های آن واجد هیچ نوع الزامیت قانونی نیست.

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

3 — هر جرگه را که تعداد اعضای آن بسیار زیاد مثلاً دو هزار و سه هزار باشد، نمیتوان به حیث «لویه جرگه» مسما کرد، زیرا «لویه جرگه» اکنون به یک مفهوم خاص حقوقی و قانونی اطلاق میگردد. بنابراین مسما ساختن «جرگه مشورتی» بنام «لویه جرگه» از نظر قانونی یک اشتباه دیگر است. لازم بود تا این جرگه تنها «جرگه مشورتی» نامیده می شد.

4 — اینکه آیا اعضای جرگه مشورتی قانوناً از «ملت افغانستان و شهرها و دهات» آن نمایندگی میکنند، سؤال است که باید به اصل مفهوم حقوقی «نمایندگی» رجوع کرد. نگاهی به طرز گزینش اعضای جرگه به وضاحت میرساند که اعضا توسط مردم نه، بلکه توسط یک تعداد اشخاص نزدیک به دولت برگزیده شده اند و مردم به مفهوم واقعی آن در گزینش آنها هیچ نقش نداشته اند. لذا اعضای جرگه مشورتی کمتر انتخابی و اما بیشتر انتصابی میباشند و فیصله های آنها نیز انعکاس دهنده نظریات مردم افغانستان بوده نمیتواند و اما نظراً اعضای آن میتوانند به حیث نظر شخصیت های «مشوره دهنده» قابل پذیرش برای رئیس جمهور باشد.

5 - آقای کرزی میگوید که: «من هرگز این حق را به خود و دولت افغانستان نمیدهم که در قضایای بزرگ و مهم ملی مانند موافقتنامه امنیتی و دفاعی... فیصله نمانیم»؛ واضح است که رئیس جمهور میتواند از این حق قانونی خود منصرف شود و آنرا به یک جرگه تفویض کند، ولی این حق را از دولت افغانستان سلب کرده نمیتواند، زیرا شورای ملی کشور شامل قوای ثلاثه دولت بوده و این حق را قانون اساسی در ماده نودم، فتره 5 ( تصدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن ) برای شورای ملی حفظ کرده است و رئیس جمهور حق سلب این حق را به هیچ وجه ندارد.

6 — اگر به شرایط مطروحه کمیسیون برگزاری جرگه مشورتی در جهت برگزیدن اعضای جرگه نظر انداخته شود، تکمیل سن 25 سالگی، نبودن ناقض حقوق بشر، متهم نبودن به جرایم جنگی، داشتن معلومات کافی در مورد جرگه و شرط امین بودن و متنفذ بودن در منطقه و گروهی که از آن نمایندگی (!! ) میکند، از جمله اوصاف عمده کسب عضویت محسوب میشود، در حالیکه به گفته سخنگوی کمیسیون: «میزان سواد برای شرکت در این جرگه شرط نیست» (7). از آنجائیکه موضوعات مورد بحث جرگه از جمله مسائل پیچیده و دقیق حقوقی میباشد، چطور امکان دارد کسانی که از سواد کافی برخوردار نباشند در همچو موارد قادر به درک مفاهیم مغلق موضوع شوند و باز در ازای آن بتوانند اتخاذ تصمیم کنند؟ واضح است که اکثر اعضای جرگه ناگزیراند از هر آنچه چند نفر بگویند، اطاعت نمایند که در اینصورت تصمیم و مشوره باز هم بدست یک عده ای مشخص خواهد بود و جرگه به این اساس فقط نقش یک وسیله را در دست یک عده خواهد داشت. علاوه بر این سؤال نیز مطرح است که کمیسیون برگزاری به اساس کدام اسناد و شواهد شخص ناقض حقوق بشر و متهم به جرایم جنگی را در بین اشخاص تثبیت خواهد کرد که مانع ورود آنها به عضویت جرگه شود؛ متأسفانه تاحال نه محکمه برای بررسی این مسائل دائر شده و نه مرجعی وجود داشته که سیاه را سفید تشخیص کند. در اینجا بار دیگر بازی با عبارات جای واقعیت ها را میگیرد و موقف مشورتی جرگه را بیش از پیش ضعیف می سازد.

در پایان امیدوار هستم که اعضای «جرگه مشورتی» با تمام مشکلات که در فوق ذکر شد، باز هم به دقت و تأمل و با در نظر داشت منافع ملی افغانستان تحت شرایط موجود بکوشند توصیه ها و مشوره های مفید و لازم را به رئیس جمهور ارائه دارند و نگذارند تیر مخالفان به هدف بخورد، در غیر آن مسئولیت بزرگ تاریخی متوجه هریک ایشان خواهد بود.

(پایان)

مآخذ:

- 1 - متن مکمل این مقاله در افغان جرمن آنلاین (مورخ 18 نوامبر) نیز مطالعه کرد.
- 2 - برگرفته از کلیپ ویدیویی منتشره بی بی سی، مورخ 19 عقرب 1392 (10 نوامبر 2013)
- 3 - گزارش فرزند : «سپنتا: امضای موافقتنامه امنیتی به سود افغانستان است»، منتشره روزنامه 8 صبح، مورخ 26 عقرب 1392
- 4 - سایت : دفتر ریاست جمهوری، منتشره مورخ 25 عقرب 1392 (16 نوامبر 2013)

د پاپو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاډونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

5 - سایت : دفتر ریاست جمهوری مورخ 25 عقرب 1392

6 — گزارش شکیلا ابراهیم خیل: «کرزی به تصمیم لویه جرگه مشورتی حرمت خواهد گذاشت»، منتشره: آژانس خبری پژواک، مورخ 25 عقرب 1392

7 - گزارش زینب محمدی: «اعضای لویه جرگه مشورتی افغانستان چه کسانی اند؟»، بی بی سی، مورخ 17 نوامبر 2013

---

د پانوی شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ